

دوفصلنامه علمی- پژوهشی حدیث پژوهی
سال نهم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶
صفحه ۱۲۵-۱۴۶

کلینی و حوزه حدیثی قم

عبدالرضا حمّادی*
سید علیرضا حسینی**

◀ چکیده

برخی پژوهشگران معاصر معتقدند کتاب کافی در بغداد و متأثر از فضای عقل‌گرای آنجا تدوین شده است. هرچند استفاده از منابع حوزه حدیثی قم در تدوین کافی برای این پژوهشگران قابل‌انکار نیست، با توجه به فقدان اطلاعات این احتمال را نیز مطرح می‌کنند که کلینی به قم نیامده و احادیث این حوزه را به صورت وجاده از کتب اساتید قم اخذ کرده است. پژوهش حاضر در پی ارائه قراینی بر حضور کلینی در حوزه حدیثی قم است. بررسی روش قدما در انتقال حدیث و یافتن روش کلینی در تدوین کافی نشان می‌دهد کتاب کافی براساس رویکرد رایج در حوزه‌های حدیثی شیعه یعنی سماع، قرائت و اجازه تدوین شده است. رویکرد کلینی در نشر کافی نیز مؤید همین مطلب است. نقل حدیث از کلینی توسط اهالی قم نیز با توجه به دوره‌های زمانی حیات ایشان قرینه‌هایی بر حضور کلینی در قم است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** کلینی، کافی، حوزه حدیثی قم، حوزه حدیثی بغداد، روش اخذ حدیث.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث؛ مدیر گروه احیاء و بازیابی متون تفسیری امامیه،

پژوهشکده تفسیر اهل بیت (علیهم‌السلام)، نویسنده مسئول / hammadi.a.r@gmail.com

** استادیار دانشگاه قرآن و حدیث / sahosseini14@gmail.com

مقدمه

در میان کتب حدیثی شیعه، کتاب کافی مهم‌ترین اثر حدیثی برجای مانده از روزگار پیشینیان قلمداد می‌شود. نجاشی مدت زمان تألیف آن را بیست سال می‌داند. (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۱۰۲۶) نویسنده این اثر، محمد بن یعقوب کلینی از اهالی منطقه ری است که در آخر عمر نزیل بغداد بوده و در باب الکوفه آن شهر مدفون است. (همان‌جا)

در دوران کنونی، اطلاعات کاملی از زندگی کلینی و سفرهای وی در دست نیست. فقدان اطلاعات درباره حضور کلینی در برخی حوزه‌های حدیثی و نامشخص بودن محل تألیف کافی، موجب شده بعضی از پژوهشگران باتوجه به حضور وی در بغداد و گزارش نجاشی، کتاب کافی را نماد تفکر بغداد بدانند. این گروه هرچند بهره‌گیری کلینی از احادیث حوزه قم را پذیرفته‌اند، محل تدوین کتاب کافی را بغداد می‌دانند و آغاز کتاب با بحث عقل و جهل را متأثر از فضای عقل‌گرای معتزله در بغداد تلقی می‌کنند. (نک: نیومن، ۱۳۸۶ش، ص ۲۷۶، ۳۱۹، ۳۲۳ و ۳۴۷)

در مقاله‌ای با عنوان «الکافی و گفتمان حدیثی قم» (حمّادی، ۱۳۹۱ش، ص ۹۸-۱۱۳) به بررسی این دیدگاه پرداخته شد و بیان گردید که با تحلیل قراین تاریخی و شواهد موجود در کتاب، کافی نماد حوزه حدیثی قم به‌شمار می‌رود. پس از نشر این مقاله، برخی اساتید این احتمال را طرح کردند که کلینی در حوزه قم حضور نیافته و احادیث مدرسه حدیثی قم را از کتب مشایخ قم به‌صورت وجاده به کافی منتقل کرده، بدون آنکه در قم حضور یافته باشد. خاستگاه این شبهه آن است که در گزارش‌های رجالیان، سخنی از حضور وی در حوزه حدیثی قم به میان نیامده است. از طرفی در تنها اثر برجای مانده از او یعنی کتاب کافی، اشاره‌ای به حضورش در قم وجود ندارد.

پژوهش حاضر در پی ارائه قراین حضور کلینی در قم است. پرداختن به این موضوع از آن جهت قابل‌اهتمام است که می‌تواند دستمایه تحقیق در مقدار اثرپذیری کلینی از فضای فکری حوزه حدیثی قم در تدوین کافی، گزینش احادیث و باب‌بندی کتاب بوده و از طرفی دیگر نشان‌دهنده رویکرد حوزه حدیثی قم در آن دوره باشد. در این باره سیره اخذ حدیث در میان محدثان شیعه بررسی شده و روش کلینی کاوش شده است و نکته‌های دیگری نیز که می‌تواند قرینه بر حضور کلینی در قم باشد، مورد توجه خواهد بود.

۱. سیره محدثان شیعه در اخذ احادیث

هرچند در آثار برجای مانده از محدثان قدیم، تعریف الفاظ اخذ و نقل حدیث و بیان روش دیده نمی‌شود، با جست‌وجو در عبارات آثارشان می‌توان به کشف روش آن‌ها پرداخت و براساس کاربرد الفاظ به مفاهیم آن پی برد. براین اساس، شهید ثانی روش دریافت حدیث از استاد و انتقال آن به شاگردان و نگارش در کتب را هفت نوع می‌داند که به تناسب بحث به چهار نوع آن اشاره می‌شود:

۱-۱. سماع

مهم‌ترین روش محدثان شیعه در دریافت احادیث، سماع حدیث از استاد بوده است. سماع در لغت به معنای شنیدن و نیز هر صدای شنیدنی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۲۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۴۸؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۱۲) این واژه در اصطلاح راویان به معنای شنیدن حدیث از استاد است. به گفته شهید ثانی، سماع برترین روش دریافت حدیث نزد محدثان است. (شهید ثانی، ۱۳۸۱ش، ص ۴۰)

سماع حدیث در آثار قدما بسیار نمود دارد. برای نمونه می‌توان به گزارش کلینی از سماع صفوان بن یحیی، از احادیث موسی بن بکر اشاره کرد: «حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ قَالَ دَفَعَ إِلَيَّ صَفْوَانَ كِتَابًا لِمُوسَى بْنِ بَكْرٍ فَقَالَ لِي هَذَا سَمَاعِي مِنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ وَقَرَأْتُهُ عَلَيْهِ فَإِذَا فِيهِ مُوسَى بْنُ بَكْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ هَذَا مِمَّا لَيْسَ فِيهِ اخْتِلَافٌ عِنْدَ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع.» (کلینی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۳، ص ۵۶۸)

نمونه دیگر در اسناد کافی، سماع احمد بن هلال از عثمان بن عیسی است. این سند نشان می‌دهد تعبیر «حدثنا» نیز اشاره به سماع دارد: «الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ عِيسَى، عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ، عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيُنٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... قَالَ أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ: سَمِعْتُ هَذَا الْحَدِيثَ مُنْذُ سِتٍّ وَخَمْسِينَ سَنَةً.» (همان، ج ۲، ص ۱۶۷)

گزارش شیخ طوسی از سماع مشایخ خود از کتب حسن بن محمد مرعشی نیز، نشان‌دهنده تثبیت این شیوه در انتقال میراث شیعه است: «الحسن بن محمد بن حمزة بن علی بن عبدالله بن محمد بن الحسن بن الحسين بن علی بن الحسن بن علی بن ابی

طالب، المرعشی الطبری، یکنی ابا محمد، زاهد عالم اديب فاضل، روى عنه التلعكبرى، و كان سماعه منه أولا سنة ثمان و عشرين و ثلاث مائة، و له منه إجازة بجمیع كتبه و رواياته، أخبرنا جماعة، منهم الحسين بن عبيدالله و أحمد بن عبدون و محمد بن محمد بن النعمان، و كان سماعهم منه سنة أربع و خمسين و ثلاث مائة» (شيخ طوسی، ۱۳۸۱ق، ش ۶۰۸۹)

نجاشی نیز در فهرست خود، به سماع كتاب ابن قبه توسط ابن بطه اشاره دارد: «محمد بن عبدالرحمن بن قبة الرازی أبو جعفر متكلم عظیم القدر حسن العقيدة قوى فى الكلام كان قديما من المعتزلة و تبصر و انتقل. له كتب فى الكلام. و قد سمع الحديث و أخذ عنه ابن بطه و ذكره فى فهرسته الذى يذكر فيه من سمع منه فقال: و سمعت من محمد بن عبدالرحمن بن قبة له كتاب الانصاف فى الامامة» (شيخ طوسی، بی تا، ش ۱۰۲۳)

این گزارش‌ها نشان‌دهنده آن است که نقل حدیث از طریق سماع روشی شایع در نشر احادیث و در میان راویان بوده است. فراوانی گزارش سماع در طریق به میراث حدیثی امامیه، به گونه‌ای است که وجود این روش را حتی در دوره حضور ائمه علیهم‌السلام به اثبات می‌رساند. توجه به گزارش‌های زیر این سخن را به‌خوبی اثبات می‌کند:

گزارش سماع نجاشی: ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۳۳، ۲۳۹، ۳۱۴، ۳۳۹، ۳۹۷، ۴۴۸، ۵۷۳، ۶۶۸، ۶۷۶، ۶۸۰، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۹، ۷۰۷، ۷۰۸، ۸۹۳، ۹۴۴، ۱۰۲۳، ۱۰۴۹، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۶، ۱۱۳۰، ۱۱۸۵ و ۱۱۸۶.

گزارش سماع مشایخ توسط نجاشی: ۲۱، ۶۷، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۸۰، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۸، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۹، ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۷۷، ۶۱۵، ۶۷۵، ۷۱۴، ۱۰۲۳، ۱۰۲۶، ۱۲۳۵ و ۱۲۵۸.

گزارش سماع در فهرست شیخ طوسی: ۳۵، ۷۳، ۹۰، ۹۵، ۹۹، ۱۹۵، ۳۹۲، ۴۲۶ و ۴۴۶.

گزارش سماع در رجال شیخ طوسی: ۵۹۴۷، ۵۹۵۰، ۵۹۵۱، ۵۹۵۲، ۵۹۵۴، ۵۹۵۵، ۵۹۵۸، ۵۹۵۹، ۵۹۶۴، ۶۰۵۲، ۶۰۵۴، ۶۰۵۵، ۶۰۷۳، ۶۰۸۱، ۶۰۸۸، ۶۰۸۹، ۶۰۹۱، ۶۰۹۹، ۶۱۰۰، ۶۱۳۳، ۶۱۳۸، ۶۱۳۹، ۶۱۸۰، ۶۱۸۱، ۶۱۸۲، ۶۱۸۵، ۶۱۸۷، ۶۱۸۹، ۶۱۹۰، ۶۱۹۱، ۶۱۹۳، ۶۲۷۰، ۶۳۰۷، ۶۳۱۰، ۶۳۱۱، ۶۳۱۲، ۶۳۱۴، ۶۳۱۵، ۶۳۱۶، ۶۳۱۹، ۶۳۲۰

۶۳۲۱، ۶۳۲۳، ۶۳۲۵ و ۶۳۲۵.

این رویکرد در میان اصحاب امامیه، از چنان جایگاهی برخوردار بوده که ترک آن را موجب طعن راوی می دانستند. کشی در گزارشی از جعفر بن معروف چنین نقل می کند: «سمعت یعقوب بن یزید یقع فی یونس و یقول کان یروی الاحادیث من غیر سماع.» (کشی، ۱۴۰۹ق، ش ۹۴۵)

از یعقوب بن یزید شنیدم که به ذکر عیوب یونس (بن عبدالرحمن) پرداخته و می گفت احادیث را بدون سماع نقل می کند.

۲-۱. قرائت

روش دوم اخذ حدیث، خواندن کتاب نزد استاد بوده که از آن، به قرائت و عرضه حدیث یاد می شود. تعابیر «قرأت علیه»، «قریء علیه و انا اسمع»، «حدثنا قرأه علیه» و «اخبرنا قرأه علیه» نشان دهنده این شیوه در دریافت حدیث است. (شهید ثانی، ۱۳۸۱ش، ص ۴۱) گزارش های زیر نمونه هایی از انتقال میراث حدیثی به شیوه قرائت است:

گزارش قرائت نجاشی: ۱۰۰، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۶۲، ۱۸۰، ۲۶۹، ۳۰۲، ۳۱۸، ۳۷۵، ۳۷۶، ۵۹۹، ۶۰۶، ۶۷۶، ۸۰۷، ۸۰۴۶، ۱۰۴۹، ۱۱۴۸، ۱۱۵۰، ۱۱۹۹، ۱۲۱۸ و ۱۲۶۲.

گزارش قرائت مشایخ توسط نجاشی: ۲، ۴۷، ۴۸، ۶۸، ۹۲، ۱۶۱، ۱۸۰، ۱۹۴، ۲۰۰، ۳۱۹، ۳۲۸، ۳۳۹، ۳۶۵، ۳۷۵، ۴۳۱، ۴۵۲، ۵۴۷، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۹۹، ۶۲۰، ۶۷۶، ۶۹۲، ۷۱۴، ۷۲۸، ۷۶۶، ۸۰۷، ۸۲۴، ۸۴۹، ۸۸۳، ۸۸۷، ۱۰۰۳، ۱۰۰۵، ۱۰۱۹ و ۱۱۵۸.

گزارش قرائت در فهرست شیخ طوسی: ۳۱، ۳۲، ۵۲، ۶۱، ۸۲، ۱۶۲، ۲۵۹، ۳۹۲، ۴۳۲، ۶۰۳، ۷۱۱ و ۸۷۶.

گزارش قرائت در رجال شیخ طوسی: ۶۲۰۹.

۳-۱. اجازه

شیوه دیگر دریافت حدیث که در میان قدما مورد استفاده بوده، اجازه روایت کتاب است. (برای آشنایی با فرق فهرست ها با اجازات، نک: مددی موسوی، ۱۳۹۳ش، ج ۱، ص ۳۷۱) در این روش، استاد اجازه نقل کتاب خود یا دیگری را که به سماع، قرائت یا اجازه دریافت کرده، به فرد مشخص می دهد. (همان، ص ۴۱) اجازه علی بن بابویه به عباس بن عمر کلوذانی در سال ۳۲۸ در بغداد براساس این شیوه است: «أخبرنا أبو الحسن

العباس بن عمر بن العباس بن محمد بن عبدالملک بن ابی مروان الکلوذانی رحمه الله قال: أخذت إجازة علی بن الحسين بن بابويه لما قدم بغداد سنة ثمان و عشرين و ثلاث مائة بجميع كتبه. (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۶۸۴)

نمونه‌های زیر نشان‌دهنده روش اجازه در اخذ حدیث است:

اجازات نجاشی: ۶۱، ۹۶، ۹۷، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۶۳، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۱ و ۶۰۶.

گزارش اجازات مشایخ توسط نجاشی: ۲۳۳، ۶۱۵ و ۶۸۴.

گزارش اجازه در فهرست شیخ طوسی: ۳۷، ۱۹۵، ۲۵۹، ۳۹۲ و ۴۴۶.

گزارش اجازه در رجال شیخ طوسی: ۵۹۴۷، ۵۹۵۰، ۵۹۵۱، ۵۹۵۲، ۵۹۵۴، ۵۹۵۵، ۶۰۳۲، ۶۰۳۳، ۶۰۵۲، ۶۰۵۴، ۶۰۵۵، ۶۰۷۳، ۶۰۸۷، ۶۰۸۸، ۶۰۸۹، ۶۰۹۱، ۶۰۹۴، ۶۰۹۵، ۶۰۹۶، ۶۰۹۷، ۶۱۰۱، ۶۱۰۲، ۶۱۰۳، ۶۱۳۳، ۶۱۳۸، ۶۱۳۹، ۶۱۸۰، ۶۱۸۱، ۶۱۸۲، ۶۱۸۵، ۶۱۸۷، ۶۱۸۹، ۶۱۹۰، ۶۱۹۱، ۶۱۹۶، ۶۱۹۷، ۶۱۹۸، ۶۲۵۱، ۶۲۷۰، ۶۳۰۷، ۶۳۰۸، ۶۳۱۰، ۶۳۱۱، ۶۳۱۲، ۶۳۱۳، ۶۳۱۴، ۶۳۱۵، ۶۳۱۶، ۶۳۱۹، ۶۳۲۰ و ۶۳۲۵.

تصریح به عدم اجازه در رجال شیخ طوسی: ۵۹۵۸، ۶۰۹۹، ۶۱۰۰، ۶۱۹۳ و ۶۳۲۵.

۴-۱. وجاده

شیوه دیگر نقل حدیث که در میان قدما رواج چندانی نداشته و موجب کاهش اعتماد به متن نقل شده بود، وجاده است. وجاده به معنی نقل حدیث از کتاب و براساس تشخیص خط مؤلف بدون سماع، قرائت یا اجازه است. (شهید ثانی، ۱۳۸۱ش، ص ۴۳) از نگاه قدما نقل حدیث به صورت وجاده، اعتماد به متن را کاهش داده و در صورتی که یک راوی بیش از حد به نقل وجاده‌ای می‌پرداخت، موجب طعن او بود. گزارش کشی درباره احادیث محمد بن سنان، این سخن را به خوبی روشن می‌کند: «ذکر حمدویة بن نصیر أن ایوب بن نوح دفع إليه دفترًا فيه أحادیث محمد بن سنان فقال لنا: إن شتتم عن تکتبوا ذلک فافعلوا فإنی کتبت عن محمد بن سنان و لکن لا أروى لکم أنا عنه شیئا فإنه قال قبل موته: کلما حدثکم به لم یکن لی سماع و لا رواية إنما وجدته.» (کشی، ۱۴۰۹ق، ش ۹۷۷)

براساس این گزارش، وجاده‌ای بودن احادیث محمد بن سنان سبب شد ایوب بن

نوح روایات وی را به روش سماع و قرائت نقل نکند. این مطلب نشان‌دهنده عدم اعتماد به روایات وجاده‌ای در میان راویان است و از این رو وقتی یک راوی، حدیثی را به‌گونه وجاده اخذ کرده بود، در نقل آن، به وجاده تصریح می‌کرد. تصریح به وجاده در گزارش‌های کشی نمودی ویژه دارد. موارد زیر گزارش‌هایی براساس وجاده است که در این کتاب قابل مشاهده است:

نقل از کتاب ابوعبدالله محمد بن نعیم شاذانی در شماره‌های ۸۲، ۱۴۱، ۳۵۷، ۵۸۰، ۹۱۷، ۹۸۱، ۹۸۷، ۹۸۸، ۱۰۵۸، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶ و ۱۱۱۰.

نقل از کتاب جبرئیل بن احمد ابومحمد فاریابی در شماره‌های ۱۹۲، ۱۹۳، ۴۲۷، ۵۳۷، ۵۷۳، ۵۸۹، ۷۱۳، ۷۴۱، ۸۳۱، ۸۳۸، ۸۴۲، ۸۶۲، ۹۳۳، ۹۹۱، ۹۹۵، ۱۰۰۳، ۱۰۴۶، ۱۰۹۰ و ۱۰۹۹.

نقل از کتاب محمد بن حسن بن بندار قمی در شماره‌های ۲۰۶، ۳۹۶، ۹۵۷، ۱۰۶۶، ۱۱۲۳ و ۱۱۳۲.

نقل روایت از واقفه در شماره ۹۰۱.

گزارش وجاده طاهر بن حسین در شماره ۳۷۴.

همچنین در گزارش شماره ۱۸۱ به نقل وجاده‌ای و سماعی از یک واقعه اشاره کرده، می‌نویسد: «وَجَدْتُ بِحَطِّ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ السَّمَرْقَنْدِيِّ، وَ حَدَّثَنِي بَعْضُ الثَّقَاتِ مِنْ أَصْحَابِنَا.» همچنین می‌توان در شماره‌های ۱۵۸ و ۲۷۹ فهرست نجاشی و شماره ۶۲۳ فهرست شیخ طوسی، تصریح به وجاده را مشاهده کرد.

۵-۱. تأثیر روش اخذ در اعتبارسنجی حدیث

از میان روش‌های اخذ حدیث، سماع دارای اعتباری ویژه است و پس از آن، قرائت حدیث بر استاد و سپس اجازه نقل حدیث از استاد معتبر است. تفاوت روش اخذ حدیث بر اعتبار آن نیز اثرگذار بوده است. شیخ طوسی تفاوت روش را در اعتبارسنجی احادیث مؤثر دانسته و می‌نویسد: «و إذا كان أحد الراويين يروي (الخبر) سماعاً و قراءة و الاخر يروي به إجازة، فينبغي أن يقدم رواية السامع على رواية المستجيز. اللهم إلا أن يروي المستجيز بإجازته أصلاً معروفاً، أو مصنفاً مشهوراً، فيسقط حينئذ الترجيح. و إذا كان أحد الراويين يذكر جميع ما يروي به و يقول إنه سمعه، و هو ذاكر لسماعه، و الاخر يروي به من

کتابه، نظر فی حال الراوی من کتابه، فإن ذکر آن جمیع ما فی کتابه سماعه فلا ترجیح لروایه غیره علی روایت، لانه ذکر علی الجملة أنه سمع جمیع ما فی دفتره، و إن لم یذکر تفصیله؛ و إن لم یذکر أنه سمع جمیع ما فی دفتره، و إن وجده بخطه أو وجد سماعه علیه فی حواشیه بغير خطه، فلا یجوز له أولاً أن یرویه و یرجح خبر غیره علیه.» (شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۵۳)

با روشن شدن روش‌های رایج در میان قدما و ارزش هر روش، باید دید کلینی از چه روشی در تدوین کتاب خود بهره برده است. باید توجه داشت که در دو روش نخست، شاگرد نزد استاد حاضر شده و کتاب‌های حدیثی را پس از استنساخ به یکی از روش‌ها اخذ می‌کند. اجازه نیز به صورت غالب همراه با حضور نزد استاد و درخواست اجازه بوده^۱ و فقط در وجاده حضور نزد استاد موضوعیت ندارد. (شهید ثانی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۵۰)

۲. روش کلینی در اخذ احادیث کتاب کافی

کلینی در ابتدای برخی اسناد خود از عبارات‌های «حدثنی» و «حدثنا» بهره جسته است. این تعبیرها نشان‌دهنده دریافت حدیث از استاد بوده و نقل از کتاب بدون اخذ از استاد را نفی می‌کند. شهید ثانی برترین عبارتی را که بر سماع حدیث دلالت دارد، «سمعت» و پس از آن تعبیر «حدثنی» و «حدثنا» می‌داند. (همان، ص ۴۱)

شاهد گفتار شهید، گزارش نجاشی درباره اخذ کتاب منتخبات توسط ابن غضائری از جعفر بن محمد بن قولویه قمی است. ابن غضائری که برای اخذ کتاب منتخباب به نزد ابن قولویه رفته، در ابتدای قرائت کتاب بر استاد می‌گوید: سعد بر شما حدیث کرد. ابن قولویه در پاسخ می‌گوید: نه؛ بلکه پدرم و برادرم از سعد بر من حدیث کردند و من از سعد جز دو حدیث نشنیدم. (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۴۶۷) بنابراین، عبارت «حدثنی» به معنی بیان استاد و شنیدن شاگرد است. موارد زیر نمونه‌هایی از این اسناد است:

نقل حدیث از گروهی از مشایخ:

«أخبرنا أبو جعفر محمد بن یعقوب،^۲ قال: حدثنی عده من أصحابنا منهم: محمد بن یحیی العطار، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء بن رزین، عن محمد بن مسلم: عن أبي جعفر عليه السلام.» (کلینی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۲۳)

نقل حدیث از علی بن ابراهیم:

«أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَنصُورٍ، قَالَ: «(همان، ج ۱، ص ۱۸۱)

«قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ، مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِينِي، مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَمْرٍو الْفُقَيْمِي، عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ.» (همان، ج ۱، ص ۴۰۹)

«حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ حَازِمِ الْكَلْبِيِّ ابْنِ أُخْتِ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام.» (همان، ج ۱۳، ص ۳۱۳)

نقل حدیث از احمد بن ادريس و محمد بن يحيى العطار:

«حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ الْقُمِّي وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي الْكُوفِي، عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَيُوبَ، عَنْ أَبِي يَحْيَى الصَّنَعَانِي: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام.» (همان، ج ۱، ص ۶۲۹)

«أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِينِي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ: عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْأَوْكَلِ عَلَيْهِ السَّلَام.» (همان، ج ۱۲، ص ۷)

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُصْعَبٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام.» (همان، ج ۱۵، ص ۵۹۱)

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَلِي بْنِ النُّعْمَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام.» (همان، ج ۱۵، ص ۶۶۷)

نقل حدیث با تصریح به فراموش شدن نام استاد:

«قَالَ الْكَلْبِينِي رَحِمَهُ اللَّهُ: وَحَدَّثَنِي شَيْخٌ مِنْ أَصْحَابِنَا. ذَهَبَ عَنِّي اسْمُهُ.» (همان، ج ۲، ص ۱۲۷)

باید توجه داشت که روایات نقل شده در کتاب کافی، تمام روایات اخذ شده کلبینی از

اساتید خود نیست، بلکه وی از میان کتب مشایخ، به گزینش روایات پرداخته است.^۳ توجه به این نکته از آن رو ضروری است که احتمال اخذ حدیث از مشایخ قمی در خارج از قم را ضعیف می‌کند؛ چراکه گزارشی بر حضور طولانی مدت مهم‌ترین اساتید قمی محمد بن یعقوب کلینی در ری و بغداد نیست و اخذ مجموعه‌ای عظیم از روایات جمع‌آوری شده در کتب اساتید، در مدت کوتاه نیز امری بعید است.

این احتمال نیز که کلینی برخلاف شیوه رایج حوزه‌های حدیثی عمل کرده و بدون اشاره به وجده‌ای بودن روایات، به نقل آن‌ها پرداخته، بسیار بعید است؛ چراکه در آن صورت، خود او و کتابش مورد طعن واقع می‌شد، درحالی که شخصیت او در میان قدامت‌پسندان شده و کافی نیز به‌عنوان یکی از برترین تألیفات حدیثی شیعه به‌شمار رفته است. (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۷۰؛ نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۱۰۲۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۱ق، ش ۶۲۷۷)

۳. روش انتقال کتاب کافی

از دیگر نکاتی که نشان‌دهنده مطابقت روش کلینی با سیره رایج در حوزه‌های حدیثی آن روزگار است، گزارش‌های مربوط به قرائت کتاب کافی است. شیخ طوسی روش خود در اخذ کافی را سماع، قرائت و اجازه دانسته و می‌نویسد: «و أخبرنا به أيضا احمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر عن احمد بن ابی رافع و ابی الحسین عبدالکریم بن عبدالله بن نصر البزاز بتنیس و بغداد عن ابی جعفر محمد ابن یعقوب الكلینی جمیع مصنفاته و احادیثه سماعا و اجازة ببغداد بیاب الکوفة بدرج السلسلة سنة سبع و عشرين و ثلاث مائة.» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، المشیخة، ص ۵)

همچنین در فهرست خود نیز به اخذ کتاب کافی از حسین بن عبیدالله غضائری، به روش قرائت اشاره دارد: «و أخبرنا الحسین بن عبیدالله قراءة علیه أكثر الكتاب الکافی عن جماعة منهم: أبوغالب أحمد بن محمد الزراری و أبوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه و أبو عبدالله أحمد بن إبراهيم الصیمری المعروف بابن أبی رافع و أبو محمد هارون بن موسی التلعکبری و أبوالمفضل محمد بن عبدالله بن المطلب الشیبانی کلهم عن محمد بن یعقوب.» (شیخ طوسی، بی تا، ش ۶۰۳)

از ظاهر نسخه کافی نیز که از طریق شیخ طوسی رسیده، سماع کافی استفاده می‌شود:

«حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنُ مُوسَى التَّلْعُكَبْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكُلَيْنِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى جَمِيعًا، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنِ الْحَلْبِيِّ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (کلینی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۲، ص ۸۳)

نجاشی نیز می نویسد در دوره‌ای که برای آموزش قرآن به مسجد لؤلؤی می‌رفته، گروهی از اصحاب امامیه، کتاب کافی را نزد احمد کوفی قرائت می‌کردند: «كنت أتردد إلى المسجد المعروف بمسجد اللؤلؤى و هو مسجد نبطويه النحوى أقرأ القرآن على صاحب المسجد و جماعة من أصحابنا يقرءون كتاب الكافى على أبى الحسين أحمد بن أحمد الكوفى الكاتب حدثكم محمد بن يعقوب الكلينى.» (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۱۰۲۶)

همچنین در ترجمه اسحاق بن حسن عقرایی می نویسد: «إسحاق بن الحسن بن بکران أبو الحسن العقرائى التمار كثير السماع، ضعيف فى مذهبه، رأيتُه بالكوفة و هو مجاور، و كان يروى كتاب الكلينى عنه، و كان فى هذا الوقت علوا فلم أسمع منه شيئاً.» (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۱۷۸)

در تمامی این گزارش‌ها، روش انتقال کتاب کافی توسط کلینی و شاگردان او روایت، تحدیث و اجازه بیان شده است. روایت و تحدیث نشان‌دهنده دو روش سماع و قرائت است.

۴. مقدار اخذ حدیث از اساتید قم

با مشاهده اسناد کافی، با دو گونه سند مواجهیم. گاهی کلینی نام استاد خود را در ابتدای سند ذکر می‌کند که بیشتر روایات کافی این‌گونه‌اند؛ اما در موارد بسیاری، نام یک فرد مشخص را بیان نکرده و عنوانی آورده که نشان‌دهنده نقل حدیث از گروهی از اساتید اوست. مهم‌ترین این عناوین عبارت «عدة من اصحابنا» است. براساس گزارش نجاشی از کلینی، در صورتی که پس از عبارت «عدة من اصحابنا» نام احمد بن محمد بن عیسی آمده باشد، مقصود پنج نفر از اساتید او بوده که همه از حوزه حدیثی قم هستند. (همان، ش ۱۰۲۶) در مجموع هر دو نوع سند کافی، نام یازده تن از مشایخ قم به چشم می‌خورد که کلینی بیش از دوسوم احادیث کتاب خود را از آنها نقل می‌کند. (نک: حمادی، ۱۳۹۱ش، ص ۹۸-۱۱۳) بنابراین، باتوجه به روش کلینی در اخذ حدیث و نقل بسیار زیاد

از مشایخ قم و اعتبار کتاب در میان مشایخ پس از کلینی، می توان گفت کلینی در حوزه حدیثی قم حضور داشته و کتاب کافی در این حوزه پی ریزی شده است.

۵. بررسی طرق اخذ کتاب کافی

طریق به کتاب علاوه بر آنکه نشان دهنده راه انتقال میراث حدیثی است، نشانگر جغرافیایی است که میراث در آن حرکت کرده. بررسی طرق نقل یک میراث می تواند وجود آن میراث را در حوزه های حدیثی به اثبات رساند. حال باید دید آیا در طرق نقل کافی، اثری از حوزه حدیثی قم دیده می شود؟

۱-۵. طریق اهل ری

از جمله منابع شیخ صدوق در تألیف کتاب من لایحضره الفقیه کتاب کافی است. در مشیخه کتاب، طریق صدوق به کافی چنین آمده است: «و آنچه در این کتاب از محمد بن یعقوب کلینی آمده، از محمد بن محمد بن عصام کلینی و علی بن احمد بن موسی و محمد بن احمد سنانی از کلینی روایت می کنم. همچنین تمام کتاب کافی را از ایشان از کلینی نقل می کنم.»^۴

از این میان، محمد بن محمد بن عصام به تصریح صدوق، اهل کلین است و صدوق در اسناد مختلفی با این وصف از او یاد می کند. (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۴۵۶؛ همو، ۱۳۹۸ق، ص ۷۲، ۸۳، ۱۱۵، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۲۰؛ همو، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۶۰، ۲۳۲ و ۲۳۳؛ همو، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۲۳/ج ۲، ص ۴۳۵، ۴۸۳ و ۵۲۲؛ همو، ۱۴۰۳ق، ص ۱۴ و ۶۳؛ همو، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۲۳) محمد بن احمد سنانی نیز از نسل محمد بن سنان و نزیل ری بوده است. (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۲۳۴) علی بن احمد بن موسی نیز گرچه به تصریح از اهالی ری دانسته نشده، با توجه به اینکه در طریق صدوق به محمد بن جعفر اسدی ساکن ری بوده (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۷۶) و در موارد مختلفی، طریق مشترک با محمد بن احمد سنانی است (همو، ۱۳۷۶ش، ص ۳۴۱، ح ۱؛ همو، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۴۳۰، ح ۱۰/ص ۵۴۳، ح ۱۹ و ص ۶۵۲، ح ۵۳؛ همو، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۳۸، ح ۲۲۹۳)، سکونت وی در ری تقویت می شود.

۲-۵. طریق اهل بغداد

در بررسی طریق های بغدادی انتقال کتاب کافی، فهرست نجاشی، فهرست شیخ طوسی و

مشيخه کتاب تهذيب الاحكام از بهترين منابع به شمار می‌روند.

نجاشی طریق خود به کافی را چنین بیان می‌کند: «و رأيت أبا الحسن (الحسين) العقراني يرويه عنه و روينا كتبه كلها عن جماعة شيوخنا محمد بن محمد و الحسين بن عبيدالله و أحمد بن علي بن نوح عن أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه عنه.» (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۱۰۲۶)

اما شيخ طوسي در *الفهرست*، طریق‌های مختلفی را برای کافی ذکر می‌کند. (شيخ طوسي، بی تا، ش ۶۰۳)

۱. «أخبرنا بجميع رواياته الشيخ أبو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان عن أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القمي عن محمد بن يعقوب بجميع كتبه.»

۲. «و أخبرنا الحسين بن عبيدالله قراءة عليه أكثر الكتاب الكافي عن جماعة منهم: أبو غالب أحمد بن محمد الزراري و أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه و أبو عبدالله أحمد بن إبراهيم الصيمري المعروف بابن أبي رافع و أبو محمد هارون بن موسى التلعكبري و أبو الفضل محمد بن عبدالله بن المطلب الشيباني كلهم عن محمد بن يعقوب.»

۳. «و أخبرنا الأجل المرتضى رضي الله عنه عن أبي الحسين أحمد بن علي بن سعيد الكوفي عن محمد بن يعقوب.»

۴. «و أخبرنا أبو عبدالله أحمد بن عبدون عن أحمد بن إبراهيم الضيمري و أبي الحسين عبدالكريم بن عبدالله بن نصر البزار بنس و بغداد عن أبي جعفر محمد بن يعقوب الكليني بجميع مصنفاته و رواياته.»

طرق شيخ طوسي در *فهرست*، با اندک تفاوتی در کتاب تهذيب الاحكام نیز آمده است. (شيخ طوسي، ۱۴۰۷ق، المشيخة، ص ۵)

۱. «فما ذكرناه في هذا الكتاب عن محمد بن يعقوب الكليني رحمه الله فقد اخبرنا به الشيخ أبو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان رحمه الله عن ابي القاسم جعفر ابن محمد بن قولويه رحمه الله عن محمد بن يعقوب رحمه الله.»

۲. «و اخبرنا به أيضا الحسين بن عبيدالله عن ابي غالب احمد بن محمد الزراري و ابي محمد هارون بن موسى التلعكبري و أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه و ابي عبدالله

احمد ابن ابی رافع الصیمری و ابی المفضل الشیبانی و غیرهم کلهم عن محمد بن یعقوب الکلبینی.»

۳. «و اخبارنا به ایضا احمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر عن احمد بن ابی رافع و ابی الحسین عبدالکریم بن عبدالله بن نصر البزاز بتنیس و بغداد عن ابی جعفر محمد ابن یعقوب الکلبینی جمیع مصنفاته و احادیثه سماعا و اجازة ببغداد بیاب الکوفة بدرج السلسلة سنة سبع و عشرين و ثلاث مائة.»

۳-۵. جمع طریق‌ها به کتاب کافی

از جمع میان طریق‌های نقل شده به کتاب کافی، اسامی ده نفر به دست می‌آید که این کتاب را از کلبینی دریافت کرده‌اند:

۱. جعفر بن محمد بن قولویه؛ اهل قم، نزیل بغداد. (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۳۱۸)

۲. احمد بن محمد ابو غالب زراری؛ اهل کوفه، نزیل بغداد. (شیخ طوسی، ۱۳۸۱ق، ۵۹۵۳)

۳. احمد بن ابراهیم صیمری؛ اهل کوفه، نزیل بغداد. (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۲۰۳)

۴. هارون بن موسی تلعبکری؛ ساکن بغداد.^۵

۵. محمد بن عبدالله بن المطلب شیبانی؛ اهل کوفه، باتوجه به اخذ حدیث توسط نجاشی از او و وجود نام وی در طرق بغدادی، به نظر می‌رسد ساکن بغداد بوده است. (نک: شیخ طوسی، بی تا، ش ۵۲، ۶۸، ۵۴۹، ۶۰۳ و ۶۲۳؛ نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۱۰۵۹)

۶. احمد بن علی بن سعید الکوفی؛ باتوجه به نقل حدیث توسط سید مرتضی از او به نظر می‌رسد ساکن بغداد بوده است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۱ق، ش ۵۹۸۹؛ ممکن است با احمد بن احمد کوفی در گزارش نجاشی نیز متحد باشد. نک: نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۱۰۲۶)

۷. عبدالکریم بن عبدالله بن نصر؛ نزیل بغداد. (شیخ طوسی، بی تا، ش ۶۰۳)

۸. محمد بن محمد بن عصام؛ اهل ری. (نک: شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۴۵۶؛ همو، ۱۳۹۸ق، صص ۷۲، ۸۳، ۱۱۵، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۰ و ۲۲۰؛ همو، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۶۰، ۲۳۲ و ۲۳۳؛ همو، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۲۳، ج ۲، ص ۴۳۵، ۴۸۳ و ۵۲۲؛ همو، ۱۴۰۳ق،

ص ۱۴ و ۶۳؛ همو، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۲۳)

۹. علی بن احمد بن موسی؛ ساکن ری. (در سطرهای گذشته به این مطلب اشاره شد).

۱۰. محمد بن احمد السنانی؛ ساکن ری. (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۲۳۴)

در مجموع، هفت نفر ساکن بغداد و سه نفر ساکن ری بوده‌اند. در این میان، مهم‌ترین ناقل کتاب کافی که بسیاری از بزرگان، این کتاب را از او اخذ کرده‌اند، جعفر بن محمد بن قولویه قمی است که از قم به بغداد هجرت کرده است. حال باید دید آیا ممکن است وی کتاب کافی را در قم از کلبینی اخذ کرده باشد؟

۶. نقل حدیث از کلبینی توسط اهالی قم

نجاشی در معرفی کلبینی می‌نویسد: او بزرگ و آبروی شیعیان ری در زمان خویش بود: «شیخ أصحابنا فی وقته بالرّی و وجههم» (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۱۰۲۶) این تعبیر نشان می‌دهد کلبینی در دوره کمال علمی خود، ساکن ری بوده و پس از آن به بغداد هجرت کرده است. ابن عساکر در تاریخ دمشق از کلبینی یاد کرده و می‌نویسد او به دمشق و بعلبک سفر کرده است و در آنجا به نقل حدیث پرداخته است: «محمد بن یعقوب، و یقال: محمد بن علی أبو جعفر الکلبینی من شیوخ الرافضة. قدم دمشق و حدث ببعلبک عن أبی الحسین محمد بن علی الجعفری السمرقندی، و محمد بن أحمد الخفاف النیسابوری، و علی بن إبراهیم بن هاشم» (ابن عساکر، ۱۴۱۸ق، ج ۵۶، ص ۲۹۷، ش ۷۱۲۶)

گزارش شیخ طوسی نشان می‌دهد شاگردان کلبینی در سال ۳۲۷ هجری در بغداد، تمام مصنفات وی را به صورت سماع و اجازه دریافت کرده‌اند: «و أخبرنا به أيضا أحمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر رحمة الله عليه عن أحمد بن أبي رافع و أبي الحسين عبدالكريم بن عبدالله بن نصر البزاز بتنیس و بغداد عن أبي جعفر محمد بن يعقوب الكلبینی جميع مصنفته و أحاديثه سماعا و إجازة ببغداد بباب الكوفة درب السلسلة سنة سبع و عشرين و ثلاث مائة» (شیخ طوسی، ۱۳۹۰ق، المشیخة، ج ۴، ص ۳۰۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، المشیخة، ص ۲۹)

از طرف دیگر، بعد از این تاریخ، دلیلی بر بازگشت کلبینی به ری نداریم و طبق گزارش نجاشی و شیخ طوسی در رجال، وی در سال ۳۲۹ در بغداد، بدرود حیات گفته است. (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۱۰۲۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۱ق، ش ۶۲۷۷) از مجموع

این گزارش‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که کمترین زمان ممکن برای هجرت کلینی از ری به شام و اقامت در بغداد را باید حدود سال ۳۲۵ هجری دانست. حال باید دید راویان قمی، احادیث خود را در کجا از کلینی اخذ کرده‌اند.

۱-۶. جعفر بن محمد بن قولویه قمی

در میان شاگردان کلینی، مهم‌ترین ناقل کتاب کافی، جعفر بن محمد بن قولویه است.^۶ پدر وی محمد بن قولویه از نزدیکان سعد بن عبدالله اشعری و ساکن قم بوده است. (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۳۱۸) جعفر بن قولویه در سال ۳۰۱ هجری، یعنی سال رحلت سعد بن عبدالله اشعری^۷ سن کمی داشته است؛ چراکه وقتی حسین بن عیبدالله غضائری کتاب منتخبات سعد را بر او قرائت می‌کند و می‌گوید سعد بن عبدالله بر تو حدیث کرد، ابن قولویه این گفته را صحیح ندانست و گفت: بلکه پدر و برادرم از سعد بر من حدیث کردند و من جز دو حدیث^۸ از سعد بن عبدالله حدیثی نشنیدم. (همان، ش ۴۶۷) در صورتی که سن جعفر بن قولویه در زمان رحلت سعد بن عبدالله را ده سال بدانیم، اخذ کافی در سال‌های ۳۱۰ق تا ۳۲۹ق که رحلت کلینی است ممکن خواهد بود. از طرفی، دلیلی بر سفر و اقامت ابن قولویه در بغداد تا قبل از سال ۳۳۹ هجری وجود ندارد.^۹ باتوجه به این نکات، احتمال اخذ کافی توسط جعفر بن قولویه در قم قوی به نظر می‌رسد.

۲-۶. محمد بن احمد قمی

ابوالحسن محمد بن احمد بن داود بن علی از اهالی قم است. نجاشی از او با عنوان «شیخ القمیین فی وقته و فقیههم» یاد می‌کند (همان، ش ۱۰۴۵) و در ترجمه احمد بن محمد بن عیسی (همان، ش ۱۹۸) و سعید بن عبدالرحمن (همان، ش ۴۷۷) نام او را در طریق به کتب آن‌ها به عنوان ناقل از کلینی می‌آورد. در طریق به کتب احمد بن محمد بن عیسی آمده: «أخبرنا بکتبه الشيخ أبو عبدالله الحسين بن عیبدالله و أبو عبدالله بن شاذان قالا: حدثنا أحمد بن محمد بن یحیی قال: حدثنا سعد بن عبدالله عنه بها و قال لی أبو العباس أحمد بن علی بن نوح: أخبرنا بها أبو الحسن بن داود عن محمد بن یعقوب عن علی بن إبراهيم و محمد بن یحیی و علی بن موسی بن جعفر و داود بن کورة و أحمد بن إدريس عن أحمد بن محمد بن عیسی بکتبه.» (همان، ش ۱۹۸)

هرچند وی به عراق رفت و ساکن بغداد شد. (نک: همان، ش ۱۰۴۵) اما تعبیر نجاشی

نشان می‌دهد او قبل از هجرت به بغداد به کمال علمی رسیده بود و در قم جایگاه استادی داشته است. باتوجه به سال رحلت کلبینی و سال وفات او یعنی سال ۳۶۸ هجری (نک: همان‌جا) به نظر می‌رسد او در زمان رحلت کلبینی به چنین کمال علمی دست نیافته بود و در آن زمان ساکن قم بوده است. باتوجه به این قراین، به نظر می‌رسد اخذ حدیث او از کلبینی در قم اتفاق افتاده است.

۳-۶. محمد بن علی ماجیلویه

نام وی محمد بن علی بن محمد بن ابی‌القاسم عبدالله بن عمران است.^{۱۰} براساس گزارش نجاشی، پدر او علی بن محمد بن عبدالله^{۱۱} نوه دختری احمد بن محمد بن خالد برقی است. (نک: همان، ش ۶۸۳ و ۹۴۷) شیخ طوسی در رجال خود، از او با وصف قمی یاد کرده است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۱ق، ش ۶۲۵۲) بیشتر روایات او از طریق شیخ صدوق نقل شده (نک: نرم‌افزار اسناد شیخ صدوق؛ نیز نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۸۹۳ و ۹۴۷؛ شیخ طوسی، بی تا، ش ۲۵۰، ۳۸۰، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۵ و ۸۱۳) و در برخی از طرق، نام محمد بن علی بن احمد بن هشام قمی نیز دیده می‌شود (شیخ طوسی، ۱۳۸۱ق، ش ۶۳۳۹؛ نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۱۲۳۷) که هر دو قمی بوده‌اند. غالب روایات او از عموی وی محمد بن ابی‌القاسم عبدالله بن عمران، پدرش علی بن ابی‌القاسم عبدالله بن عمران، محمد بن یحیی العطار و علی بن ابراهیم بن هاشم اخذ شده است که همه اهل قم بوده‌اند. نقل فراوان از محمد بن یحیی العطار و علی بن ابراهیم نشان‌دهنده آن است که وی هم‌طبقه کلبینی است. (نک: نرم‌افزار اسناد شیخ صدوق)

در برخی اسناد شیخ صدوق، محمد بن علی ماجیلویه از کلبینی با تعبیر «حدثنا» نقل حدیث می‌کند. (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ۴۸۰؛ همو، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۵۶) باتوجه به هم‌طبقه بودن او با کلبینی و نیز نبود گزارشی بر مسافرت او به ری و بغداد، می‌توان گفت اخذ حدیث او از کلبینی در قم بوده است.

۴-۶. محمد بن علی بن بابویه قمی

محمد بن علی بن بابویه مشهور به شیخ صدوق در حدود سال ۳۰۶ در شهر قم متولد شد. (بحرالعلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۳۰۱) پدرش علی بن بابویه از بزرگان قم به‌شمار می‌رفت. (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۶۸۴) براساس گزارش نجاشی، ورود شیخ صدوق به بغداد

در سال ۳۵۵ هجری بوده یعنی حدود ۲۶ یا ۲۷ سال پس از رحلت کلینی، صدوق به بغداد

سفر کرده است. در چند سند، صدوق به صورت مستقیم از کلینی نقل حدیث می کند:

۱. «وَأَخْبَرَنِي الشَّرِيفُ الْجَلِيلُ أَبُو الْمَكَارِمِ حَمَزَةُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زُهْرَةَ الْعَلَوِيُّ الْحُسَيْنِيُّ الْحَلَبِيُّ أَدَامَ اللَّهُ عِزَّهُ عِنْدَ عَوْدِهِ مِنَ الْحَجِّ فِي سَنَةِ أَرْبَعٍ وَسَبْعِينَ وَخَمْسِمِائَةَ بِمَسْجِدِ السَّهْلَةِ، حَدَّثَنِي وَالِدِي عَلِيُّ بْنُ زُهْرَةَ، عَنْ جَدِّهِ، عَنِ الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ بَابُوَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ.» (حائری مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۴۰)

۲. «أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ الْعَالِمُ عِمَادُ الدِّينِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ الطَّبْرِيُّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ وَأَنَا أَسْمَعُ فِي شَهْوَرِ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَخَمْسِينَ وَخَمْسِمِائَةَ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، عَنِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَلِيٍّ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ وَالِدِهِ الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ، عَنْ ابْنِ قَوْلُوَيْهِ وَابْنِ جَعْفَرِ بْنِ بَابُوَيْهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيِّ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ، قَالَ.» (همان، ص ۴۷۳)

۳. «وَأَخْبَرَنِي الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ الدُّورِيُّسِيُّ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ بْنِ بَابُوَيْهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، قَالَ.» (همان، ص ۵۴۴)

۴. «أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلُوَيْهِ وَأَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ

بن بابویه جمیعا عن محمد بن یعقوب الكلینی عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن عمرو بن

عثمان عن المفضل بن صالح عن زيد الشحام قال.» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق [ب]، ص ۲۷)

۵. «رَوَى الصَّدُوقُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ بِطَرُقِهِ إِلَى الْإِثْمَةِ.» (اسدی حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۲)

باتوجه به سال ولادت صدوق و سال های حضور کلینی در ری، به نظر می رسد امکان اخذ حدیث از کلینی به صورت نادر، در سنین نوجوانی صدوق ممکن است؛ اما گزارشی بر هجرت صدوق از قم به ری در آن سال ها وجود ندارد. از طرفی، اخذ روایت صدوق از کلینی در بغداد نیز نبوده است. باتوجه به این نکات به نظر می رسد کلینی در قم حضور داشته و شیخ صدوق در این حوزه از وی اخذ حدیث کرده است.

۵.۶. احمد بن محمد بن ولید قمی

ابوالحسن احمد بن محمد بن حسن بن ولید، از اهالی قم است. پدرش محمد بن حسن بن ولید (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق [الف]، ص ۱۷۹) از مشایخ قم (نجاشی، ۴۲۹ق، ش ۱۰۴۲) و هم طبقه کلینی بوده و در سال ۳۴۳ هجری از دنیا رفته است. (همان جا) احمد هم طبقه شیخ صدوق و جعفر بن قولویه و نیز استاد شیخ مفید بوده و بیشترین حجم روایات پدرش در دو کتاب تهذیب و استبصار از طریق او نقل شده است. (نک: نرم افزار درایة النور) هرچند در طریق‌های کتاب کافی نام وی دیده نمی‌شود، در سندی، اخذ حدیث وی از کلینی نمایان است: «أخبرنا الشيخ المفید أبو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان، قال: أخبرنا الشيخ أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه و أبو الحسن أحمد بن محمد بن الحسن بن الولید^{۱۲} جميعاً، عن محمد بن يعقوب عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عيسى عن البرقي عن ابي هاشم داود بن القاسم الجعفری عن ابي جعفر الثاني عليه السلام.» (کراچکی، ۴۰۵ق، ص ۳۱)^{۱۳}

تاریخ هجرت احمد از قم به بغداد مشخص نیست، اما با توجه به هم طبقه بودن وی با شیخ صدوق و اینکه بیشتر روایات او از پدرش اخذ شده، به نظر می‌رسد او نیز در دوره حیات پدرش، در قم به سر برده و پس از آن به بغداد سفر کرده است. بنابراین باید گفت دریافت حدیث او از کلینی نیز در قم بوده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی ارائه قراینی بر حضور کلینی در حوزه حدیثی قم است. اثبات این مطلب از آن رو شایسته است که در تحلیل اخذ حدیث کلینی و گزینش و باب‌بندی کتاب کافی مؤثر است. از طرف دیگر، در صورت اثبات تعلق کافی به حوزه حدیثی قم، نقش این اثر در تحلیل گفتمان حدیثی حوزه قم بی‌بدیل است. با توجه به فقدان اطلاعات، لازم است به جمع‌آوری قراین پرداخت و از مسیر تراکم قرینه‌ها به نتیجه رسید.

در ابتدا به بررسی روش قدما در اخذ حدیث پرداخته شد و مشخص گردید که سماع و قرائت مهم‌ترین روش اخذ و نقل حدیث بوده‌اند. قرینه‌های درونی مانند تعبیر «حدثنا» و بیرونی مانند گزارش‌های نشر کافی توسط کلینی نشان می‌دهد روش کلینی مطابق با سیره سایر مشایخ در اخذ و نقل حدیث بوده است. با توجه به حجم بالای اخذ

حدیث از مشایخ قم و جایگاه کافی در حوزه‌های حدیثی، بسیار بعید است که کلینی با وجاده به نقل این احادیث پرداخته باشد.

دیگر قرینه قابل توجه، اخذ حدیث از کلینی توسط اهالی قم است. هر چند غالب این افراد به بغداد رفته‌اند، با توجه به تاریخ حضور ایشان در بغداد و نکات دیگر تاریخی، به نظر می‌رسد این افراد، احادیث کلینی را در قم از او اخذ کرده‌اند.

از جمله نکات شایسته پژوهش که در ضمن این مطالب نمود می‌یابد، رویکرد هجرت عالمان از قم به ری و بغداد در این دوره و خالی شدن حوزه قم پس از آن است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. در برخی گزارش‌ها به اجازه از استاد بدون حضور راوی اشاره شده است. برای نمونه نک: شیخ طوسی، ۱۳۸۱ق، ش ۶۳۲۵.

۲. نام کلینی در ابتدای برخی از اسناد کتاب کافی دیده می‌شود که توسط شاگردان او در زمان اخذ کافی از کلینی به نسخه‌ها راه یافته است. احتمال دیگر آن است که این عبارت توسط خود کلینی در هنگام تدریس کتاب بیان شده است. (نک: علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۵)

۳. کلینی در مقدمه کتاب می‌نویسد: «وَسَعْنَا قَلِيلًا كِتَابَ الْحُجَّةِ وَإِنْ لَمْ نُكْمَلْهُ عَلَى اسْتِحْقَاقِهِ؛ لَأَنَّا كَرِهْنَا أَنْ نَبْخَسَ خَطُوطَهُ كُلَّهَا. وَارْجُو أَنْ يَسَهَّلَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - إِمْضَاءَ مَا قَدَّمْنَا مِنَ النَّبِيِّ، إِنْ تَأَخَّرَ الْإِجْلُ صَنَّفْنَا كِتَابًا أَوْسَعَ وَأَكْمَلَ مِنْهُ، نُؤَيِّدُهُ حَقُوقَهُ كُلَّهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى، وَبِهِ الْحَوْلُ وَالْقُوَّةُ، وَإِلَيْهِ الرُّغْبَةُ فِي الزِّيَادَةِ فِي الْمَعُونَةِ وَالتَّوْفِيقِ.»

۴. «و ما كان فيه عن محمد بن يعقوب الكليني - رحمة الله عليه - فقد روته عن محمد بن محمد بن عصام الكليني؛ و علي بن أحمد بن موسى؛ و محمد بن أحمد السناني - رضی الله عنهم - عن محمد بن يعقوب الكليني؛ و كذلك جميع كتاب الكافي فقد روته عنهم عنه عن رجاله.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۵۳۴)

۵. هر چند گزارش صریحی بر سکونت او در بغداد یافت نشد، تعبیر نجاشی مبنی بر دوستی با فرزند وی و حضور در منزل او قرینه بر سکونت او در بغداد است. (نک: نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۱۱۸۴) همچنین گزارش شیخ طوسی مبنی بر ورود ابن ابی الیاس کوفی بر تلعبیری در بغداد، مؤید این مطلب است. (نک: شیخ طوسی، ۱۳۸۱ق، ش ۶۱۳۳ و ۶۱۹۱)

۶. در بررسی طرق موجود به کتاب کافی، نام ده نفر دیده می‌شود که در میان آن‌ها بیشترین اخذ کتاب کافی از جعفر بن قولویه صورت گرفته است.

۷. نجاشی می‌نویسد سعد در سال ۳۰۱ وفات یافت و گفته شده سال ۲۹۹ رحلت سعد بوده است. (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۴۶۷)

۸. نجاشی در ترجمه جعفر بن قولویه، تعداد احادیث شنیده شده توسط وی از سعد را چهار حدیث ثبت

کرده است. (همان، ش ۳۱۸)

۹. گزارش ورود جعفر بن قولویه به بغداد چنین است: «مَا رَوَى عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلَوِيهِ قَالَ لَمَّا وَصَلْتُ بَغْدَادَ فِي سَنَةِ تِسْعٍ وَثَلَاثِينَ وَثَلَاثَ مِائَةِ لِلْحَجِّ وَهِيَ السَّنَةُ الَّتِي رَدَّ الْقَرَأِطَةَ فِيهَا الْحَجَرَ إِلَى مَكَانِهِ مِنَ الْبَيْتِ كَانَ أَكْبَرُ هَمِّي الظَّفَرَ بِمَنْ يَنْصِبُ الْحَجَرَ...» (قطب‌الدين راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۷۶) براساس پژوهش استاد گرانقدر حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی، سال رحلت جعفر بن قولویه ۳۶۹ هجری است (نک: شبیری زنجانی، ۱۳۹۳ش، ج ۳، ص ۳۰؛ ۲) یعنی سی سال پس از ورود به بغداد و در این مدت، امکان اخذ مشایخ بغداد از او فراهم است.

۱۰. نام دقیق وی باتوجه به طریق نجاشی به جد او «محمد بن ابی‌القاسم عبيدالله بن عمران الجنبابی البرقي» مشخص می‌شود. طریق نجاشی چنین است: «أخبرنا أبي علي بن أحمد رحمه الله قال: حدثنا محمد بن علي بن الحسين قال: حدثنا محمد بن علي ماجيلويه قال: حدثنا أبي علي بن محمد عن أبيه محمد بن أبي القاسم.» (نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۹۴۷)

۱۱. در برخی اسناد عبيدالله ثبت شده است. (نک: علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۵۷، ش ۱۱۱؛ نجاشی، ۱۴۲۹ق، ش ۶۸۳ و ۹۴۷)

۱۲. در متن اصلی کتاب چنین آمده است: ابوالحسين محمد بن محمد بن الحسن بن الوليد. با مقایسه اسناد به نظر می‌رسد عبارت موجود در کتاب تصحیف شده و عبارت صحیح ابوالحسن احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد است.

۱۳. ادامه سند پس از نام کلینی در کتاب کافی چنین است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ الْبُرْقِيِّ، عَنْ أَبِي هَاشِمٍ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (کلینی، ۱۳۸۷ش، ج ۲، ص ۶۷۷)

منابع

۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۲. ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
۳. اسدی حلی، جمال‌الدین احمد بن محمد، علة الداعی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۴. بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی، رجال السيد بحر العلوم، تهران: مکتبه الصادق علیه السلام، ۱۳۶۳ش.
۵. حائری مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۶. حمادی، عبدالرضا، و سید محمدکاظم طباطبایی، «الكافي و گفتمان حدیثی قم»، مجله علوم حدیث، شماره ۶۶، ۱۳۹۱ش.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۸. شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، قم: کتاب‌شناسی شیعه، ۱۳۹۳ش.
۹. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی، البداية فی علم الدراية، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.

۱۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *التوحید*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸ق.
۱۱. _____، *الخصال*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۱۲. _____، *امالی شیخ صدوق*، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۱۳. _____، *علل الشرایع*، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
۱۴. _____، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۱۵. _____، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۱۶. _____، *معانی الاخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. _____، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۸. شیخ طوسی، محمد بن الحسن، *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۱۹. _____، *العدة فی أصول الفقه*، قم: محمد تقی علاقبنان، ۱۴۱۷ق.
۲۰. _____، *الفهرست*، نجف: المكتبة المرتضوية، بی تا.
۲۱. _____، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۲. _____، *رجال شیخ طوسی*، نجف: انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
۲۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *امالی شیخ مفید*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق [الف].
۲۴. _____، *تحريم ذبائح اهل الكتاب*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق [ب].
۲۵. _____، *تصحیح اعتقادات الامامیه*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۲۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، *خلاصة الاقوال*، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
۲۷. علامه مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *مرآة العقول*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۹. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، *الخرائج و الجرائح*، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۰. کراجکی، محمد بن علی، *الاستبصار فی النص علی ائمة الاطهار علیهم السلام*، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
۳۱. کشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال*، تلخیص محمد بن الحسن شیخ طوسی، مشهد: نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۷ش.
۳۳. مجلسی اول، محمدتقی، *روضة المتقين*، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.
۳۴. مددی موسوی، سید احمد، *نگاهی به دریا*، قم: کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۳ش.
۳۵. نجاشی، احمد بن علی، *فهرست نجاشی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۹ق.
۳۶. نرم افزار اسناد شیخ صدوق، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۳۷. نرم افزار درایة النور، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۳۸. نیومن، اندرو جی، *دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی*، قم: شیعه شناسی، ۱۳۸۶ش.